

جهانگیری - به نظر می‌رسد که موضوع انتخاب وزیران کابینه این بار به مساله حساسی؛ چه در میان مردم و چه در مجلس و قوه مجریه تبدیل شده است. شما علت این حساسیت را در چه می‌بینید؟

تهرانی - ترکیب کابینه جدید محمد خاتمی، موجی از دل‌سردی را میان رای دهندگان نسل جوان؛ بخصوص اصلاح طلبان واقعی به وجود آورده است. می‌توان اینطور گفت که این کابینه، بازتاب رویداد 18 خرداد نیست. در واقع این کابینه بیشتر نشانه وحشت زدگی مجموعه حکومتگران و مافیای قدرت است؛ از حضور خاموش 14 میلیون نفر از مردم در 18 خرداد از یک طرف و 22 میلیون رای به روند اصلاحات از سوی دیگر. حاصل جمع این دو رقم هم رای عدم اعتماد و عدم مشروعیت نظامی است که بر اساس ولایت مطلقه فقیه تشکیل شده و نافی حاکمیت ملی است. به بیانی دیگر این کابینه حاصل تکانی است که در مجموعه هرم قدرت جمهوری اسلامی، در ترس از سقوط کلیت نظام پدیدار شده است. این وضعیت هم پیش زمینه‌هایی دارد. می‌توان چنین گفت که این کابینه، کابینه اصلاح طلبان و کابینه اصلاحات نیست؛ بلکه کابینه‌ای است برای حفظ کلیت نظام و به یک معنا کشیدن ترمز حرکت اصلاح طلبانه؛ حتا در میان برخی از پایوران نظام جمهوری اسلامی و شخص محمد خاتمی. این که خاتمی نتوانسته است افرادی نظیر محسن سازگارا، شعله سعیدی، اصغر زاده و مهاجرانی را وارد کابینه کند، نشاندهنده این است که حکومتگران فعلی جمهوری اسلامی در شرایط کنونی آمادگی پذیرش هیچ‌گونه رفومی را ندارند. حتا این آمادگی را ندارند که حضور زنی را در کابینه تحمل کنند.

جهانگیری - نکته جالب توجه این که در دو وزارتخانه خیلی مهم، همان افراد پیشین ابقا شده‌اند. به عنوان نمونه گمان نمی‌رود که وزیر خارجه ابقا شده بتواند روش جدیدی در راستای تنش‌زدایی با همسایگان، رابطه با ایالات متحده، روند جهانی شدن و بخصوص روند صلح اعراب و اسرائیل در پیش بگیرد. در رابطه با وزارتخانه اقتصاد و دارایی هم وضع به همان روال پیشین است. هیچ‌گونه چشم‌اندازی برای تنش‌زدایی بین این وزارتخانه و بانک مرکزی پیش بینی نشده است؛ حتا گفته می‌شود که این بار هم رفع معضلات اقتصادی، در اولویت این دولت نیست.

تهرانی - بر سر برنامه اقتصادی در ایران، جدال طولانی ای از دوران جنگ 8 ساله وجود داشت و همچنان ادامه دارد. برخی از حکومتگرانی که در گذشته خود را پیرو خط امام می‌دانستند، به دولتی کردن اقتصاد - حتا بیش از گذشته - نظر دارند. البته در دوران هاشمی رفسنجانی این روند تا حدودی کند شد؛ اما به علی نهادهای مستقل اقتصادی در جامعه پا نگرفتند. خصوصی کردن‌ها هم فعلا متوقف شده است. آنچه فعلا به چشم می‌خورد اختلافی است که بین مظاهری وزیر جدید اقتصاد و سازمان برنامه، با بانک مرکزی وجود دارد. اصولا سردرگمی زیادی در راه برنامه‌گزار اقتصادی در جمهوری اسلامی دیده می‌شود. آنچه اما خیلی مهم است، ابقای کمال خرازی در وزارت خارجه است. در شرایط ایران و با تلاش‌های محمد خاتمی در 4 سال گذشته برای تنش‌زدایی در روابط خارجه، حضور مجدد کمال خرازی در راس وزارت خارجه، به انسداد سیاسی در روابط خارجی انجامیده است. بسیاری از محافل آگاه می‌گویند که کادرهای وزارت خارجه اصلا عوض نشده‌اند؛ چرا که این وزارتخانه هم مستقیما زیر نظر ولی فقیه اداره می‌شود. اخیرا هاشمی رفسنجانی گفته است که اگر عراقی‌ها اسرای ما را پس بدهند ما می‌توانیم با ایشان به توافق برسیم. این اظهار نظر نشان می‌دهد که اولاً اختلافات با عراق کماکان حل نشده مانده است. ثانياً هاشمی رفسنجانی با این اظهار نظر نشان می‌دهد که هنوز هم در سیاست خارجی سیاست‌گزار است.

انسداد در سیاست دولت محمد خاتمی در رابطه با جناح مقابلش همچنان به قوت خود باقی است. البته نباید پیش زمینه‌های تشکیل این کابینه را فراموش کرد؛ پیش زمینه‌هایی مثل افزایش فشار محافظه کاران، تشدید شرایط اختناق، ایجاد رعب و وحشت در جامعه با اجرای علنی مجازات‌های اسلامی مثل سنگسار زنان؛ همچنین بستن انجمن‌های دانشجویی، تعطیل روزنامه‌ها، محاکمه وکلای مجلس به جرم اظهار نظر و در نهایت نحوه اجرای مراسم تحلیف ریاست جمهوری در حضور رفسنجانی، هاشمی شاهرودی و لفظ عامدانه سید علی خامنه‌ای، مبنی بر نصب محمد خاتمی به ریاست جمهوری! مجموعه این شرایط یادآور به توپ بستن مجلس اول مشروطه به دستور محمدعلی‌شاه است. این وضع نشان می‌دهد که اصلاحات حکومتی در ایران به بن بست رسیده است.

جهانگیری - مسأله‌ای که روی آن تاکید می‌شود این است که خانم‌ها را در کابینه شرکت نمی‌دهند؛ به این بهانه که ایشان سابقه مدیریت در سطوح بالا را ندارند. کابینه قبلی محمد خاتمی نشان داد که چند صد نفری از خودی‌ها تمام مشاغل و مدیریت‌ها در سطوح بالا را در اختیار دارند، فقط گاه به گاه مشاغلشان را با هم عوض می‌کنند. گاهی وزیرند، گاه سفیر، گاه استاندار و غیره... به عبارتی مدیریت‌های سطح بالا در دست این چند صد نفر می‌چرخد. به این ترتیب زنان و جوانان چگونه می‌توانند تجربه مدیریت سطح بالا به دست بیاورند؟! تهرانی - ادعای بی‌تجربگی بانوان در کار اداری و مدیریت‌های بالا، بهانه‌ای بیش نیست. بسیاری از زنان در دوره‌های گذشته در مشاغل دولتی کار کرده‌اند. این فعالیت‌ها همچنان ادامه دارد. چگونه است که زنان برای معاونت ادارات کارسازند؛ اما برای شرکت در کابینه صلاحیت ندارند؟! واقعیت این است که عدم توجه به نقش زنان در جامعه ایران، نشانه عقب ماندگی محافظه‌کاران و آن محافظی است که هنوز هم نقش تعیین کننده‌ای در رهبری جمهوری اسلامی دارند. زنان ما نه تنها برای شرکت در کابینه لیاقت دارند، بلکه برای تمام پست‌های کلیدی حکومت ایران هم از ریاست جمهوری تا ریاست دولت و تمام مسئولیت‌های ریز و درشت دیگر صلاحیت خودشان را در این 23 سال و حتی قبل از آن نشان داده‌اند. در این میان، تنها امثال شاهرودی‌ها و دیگر نیروهای محافظه کارند که به دلیل عقب ماندگی فکری و فرهنگی خود، زنان را برای احراز این مشاغل لایق نمی‌بینند.